

«سهروردی»، فیلسوفی که جوانمرد شد

مهارت در فلسفه و بی‌احتیاطی در بیان معتقدات، مخالفان سهروردی را علیه او شورانید و در نهایت صلاح‌الدین ایوبی دستور قتل وی را در ۳۷ سالگی صادر کرد. ماردینی، استاد سهروردی درباره او نوشته که شهاب‌الدین علمش بر عقلش فزونی داشت!

مهارت در فلسفه و بی‌احتیاطی در بیان معتقدات، مخالفان سهروردی را علیه او شورانید و در نهایت صلاح‌الدین ایوبی دستور قتل وی را در ۳۷ سالگی صادر کرد. ماردینی، استاد سهروردی درباره او نوشته که شهاب‌الدین علمش بر عقلش فزونی داشت!

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، فلسفه مشاء که با ابن سینا به کمال اوج خود رسید و پس از او به وسیله شاگردان قابل وی همچون بهمنیار و ابوالعباس لوکری نشر یافت، مورد انتقاد فقها و متصوفه قرار گرفت.

بنابراین در مشرق زمین زمینه گسترش عقاید اشراقی سهروردی و عرفان مکتب ابن عربی آماده شد. البته خود ابن سینا در اواخر عمر از شیوه متداول مشاء فاصله گرفت و به ذوق عرفانی نزدیک تر شد و در رساله حی بن یقظان مشرق را نماینده معدن نور و غرب را نماینده معدن ظلمت معرفی کرد.

به تعبیر شهرزوری، سهروردی بین الحکمتین را جمع کرد. او در کتاب مشارع، ابحاث متقدمین و متأخرین را استیفا کرد و اصول و قواعد حکمای مشائی را ابتر کرد و آرا و معتقدات حکمای پیشین و حکمت نظری و عرفان عملی را یک جا جمع کرد.

***زندگی**

در سال 549 هجری در سهرود، دهکده‌ای در حوالی زنجان به دنیا آمد. ابتدا نزد مجدالدین جیلی در مراغه و سپس در محضر ظهیرالدین قارعی در اصفهان به تحصیل پرداخت و یکی از همدرسان وی در این دوره، فخرالدین رازی از بزرگ‌ترین مخالفان فلسفه بود که پس از مگر سهروردی، وقتی کتاب تلویحات وی را به او دادند، بوسید و گریست. سپس به سیر و سیاحت در ایران پرداخت و با صوفیه آشنا شد و مدت درازی در اعتکاف و عبادت و تأمل گذراند.

مهارت در فلسفه و بی‌احتیاطی در بیان معتقدات، مخالفینش را علیه او شورانید و پس از اینکه ملک ظاهر از قتل وی امتناع کرد، شکایت را به صلاح‌الدین ایوبی بردند و چون صلاح‌الدین تازه سوریه را از صلیبیون گرفته بود و نیاز به تأیید علما داشت، دستور قتل سهروردی را داد.

ملک ظاهر وی را به زندان افکند و در سال 587 یا 586 هجری در سن سی و هشت یا سی و هفت سالگی به علت گرسنگی یا خفگی کشته شد. وقتی خبر مرگش به استاد وی، ماردینی رسید، گفت: همان شد که حدس می‌زدم. لذا درباره‌اش نوشته‌اند، شهاب‌الدین علمش بر عقلش فزونی داشت.

***تألیفات**

سهروردی با وجود عمر کمی که داشت حدود صد و پنجاه اثر را از خود به جای گذاشت که می‌توان آنها را به پنج گروه تقسیم کرد:

چهار کتاب بزرگ نظری و تعلیمی: تلویحات، مقاومات، مطارحات و حکمة الاشراق

رساله‌های تعلیمی کوتاه که تلخیص کتب فوق به زبان ساده است: هیاکل النور، الالواح العمادیة، پرتو نامه و ...

حکایات ساده و رمزی سفر نفس و مراتب نفس و اشراق: عقل سرخ، آواز پر جبرئیل، قصة الغربة الغربیة، لغت موران...

ترجمه و شرح و تفسیر کتب قدیم فلسفه و قرآن کریم

دعاها و مناجات‌نامه‌ها به زبان عربی که شهرزوری آنها را الواردات و التقدیسات القلبیة نامیده است.

آثار و تفاسیر زیادی که طی قرن گذشته بر آنها نوشته‌اند، بنای اصلی حکمت اشراق را تشکیل می‌دهد که عبارت‌اند از: آثار صوفیه و مقدم بر همه، نوشته‌های حلاج و مشکوة الانوار غزالی، فلسفه مشائی به ویژه ابن سینا، مکتب قبل از اسلام یعنی فیثاغورث، افلاطون و نیز هرمسی و حکمت ایرانیان قدیم که وارث حکمت انبیا از قبیل ادریس نبی و اخنوع، پیامبر پیش از طوفان بوده است و نیز سخنان زردشت پیامبر.

براساس نظر سهروردی، فلسفه ارسطو از آغاز یونانی نبوده بلکه پایان آن بود که با محدود کردن حکمت به جنبه استدلالی، میراث قدیمی را به نهایت رسانید. زیرا بر آن لباس عقلانی پوشانید.

سهروردی در مقدمه حکمة الاشراق می‌گوید: طریق استاد من، افلاطون الهی و حکمای متقدم چون هرمس، پدر فلسفه این بود که حکمای گذشته به علت جهل توده‌های مردم، گفتار خود را به صورت رمز می‌نوشتند و ردیه بر آنها مربوط به ظاهر گفته‌های آنهاست، نه مقاصد واقعی آنها.

حکمت اشراقی که اصل آن بر پایه نور و ظلمت است به وسیله حکمای ایرانی چون جمشید، فرشاد شور و بزرگمهر بنا شد و در میان همین رموز جای گرفته است. هیچ کس نباید تصور کند که نور و ظلمت که در توضیحات آمده به همان معنایی است که نزد مجوسان کافر یا بدعت مانی‌گرایان است، زیرا آنها سرانجام ما را به شرکت تنویت دچار می‌کنند.

درباره مفهوم اشراق و حکمت اشراق در شماره بعدی این گزارش توضیحاتی منتشر خواهد شد.